

الف اعمال

۲۱ قرمزها
www.ketab.ir

نویسنده: مرتضی بشیری

سرشناسه: بشیری، مرتضی

عنوان و نام پدیدآور: پوتین قرمزها ۲/ مرتضی بشیری

مشخصات نشر: تهران: نشر سادس، ۱۴۰۰

مشخصات ظاهری: ۲۵۶ص: عکس؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۲۰۹-۸-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

موضوع:

جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- اسیران عراقی -- مصاحبه‌ها

موضوع:

Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Prisoners and prisons, Iraqi -- Interviews

موضوع:

جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- اسیران عراقی -- خاطرات

موضوع:

Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Prisoners and prisons, Iraqi -- Diaries

رده‌بندی کنگره: DSR ۱۶۲۱/۵

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۲۲۷۸۹

اطلاعات رده‌د کتابشناسی: فیفا

www.ketab.ir



پوتین قرمزها ۲

نویسنده: مرتضی بشیری

صفحه‌آرا و طراح جلد: سعیده محمودزاده

چاپ اول

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

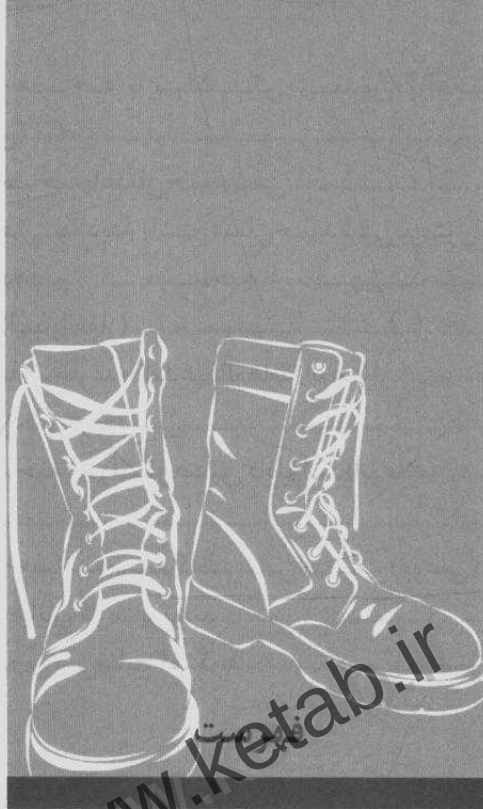
تاریخ انتشار: ۱۴۰۰

چاپ و نشر: سادس

حق چاپ و هرگونه حقوق برای ناشر محفوظ است.

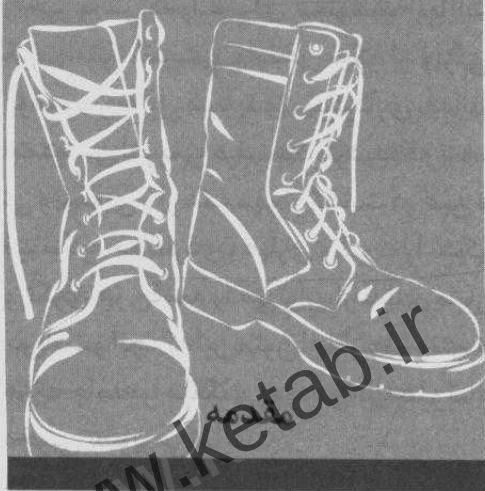
قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۲۰۹-۸-۹



۷	 مقدمه
۳۳	 فصل اول - مرتضی سرهنگی
۳۹	 فصل دوم - محمد عزیز پرویز
۴۹	 فصل سوم - شبکه کوثر
۵۳	 فصل چهارم - اسارت در یک نگاه
۶۱	 فصل پنجم - تماس های محمد عزیز پرویز
۶۷	 فصل ششم - سفر های زیارتی
۸۳	 فصل هفتم - سفر به عراق
۸۷	 فصل هشتم - ورود به بغداد
۹۱	 فصل نهم - مصاحبه محمد عزیز پرویز
۱۰۱	 فصل دهم - مصاحبه محمد عزیز پرویز ۲
۱۱۳	 فصل یازدهم - مصاحبه با ابراهیم حسین علی الدلی (ابو حسین)
۱۲۹	 فصل دوازدهم - مصاحبه ظافر صباح عبدالنبی التیمی (ابوالعلاء)

فصل سیزدهم - مصاحبه با سرلشگر سعدون ابراهیم رشید کریم	۱۴۱
الهمدانی (ابوفراس).....	۱۵۵
فصل چهاردهم - مصاحبه با عدنان حمیدشفی.....	۱۶۹
فصل پانزدهم - بخش دوم دیدار با شیخ عدنان حمیدشفی در منزل وی.....	۱۷۳
فصل شانزدهم - مصاحبه با سپهبد ستاد محمد	۱۸۵
نعمه الحسن (ابو ذوالفقار).....	۱۹۱
فصل هفدهم - مصاحبه با رعد حامد عبدالوهاب (ابو عمران).....	۱۹۹
فصل هجدهم - گردش در بغداد.....	۲۲۱
فصل نوزدهم - مصاحبه با سرلشگر حسین کاظم اسد (ابو علاء).....	۲۳۱
فصل بیستم.....	۲۴۷
فصل بیست و یکم - مصاحبه محمد کاظم عباس التمیمی (ابو علی):.....	۲۵۳
فصل بیست و دوم - پایان کار مدیر تولید.....	
فصل بیست و سوم - بررسی نتایج گفتگوها.....	



بسم الله الرحمن الرحيم
«جوانمردی خصلت ایرانی»

بر اساس اسناد و مدارک تاریخی موجود، سرزمین ایران که از دیرباز زیستگاه اقوام آریایی (شاخه‌ای از نژاد هند و اروپایی) بود و هست، همواره به عنوان منطقه‌ای شناخته شده بود که مردم آن به رعایت اصول اخلاقی پسندیده و جوانمردی شهرت داشته و امور پسندیده اخلاقی و فتوت را که در عرف بشری مورد اقبال نوع انسان است، را سرلوحه رفتار خود قرار داده و به جوانمردی، و خوی عیاری و پهلوانی شهرت داشته‌اند و البته در بین ایرانیان باستان، پارت‌ها در این گونه سلوک نسبت به بقیه سروگردنی بلندتر بودند، به علاوه داستان‌هایی که از اساطیر ایرانی به جای مانده و سرگذشت پهلوانان اعم از واقعی یا افسانه، مملو از خصایل والای انسانی، مروت و جوانمردی است و گذشت حین قدرت از صفات بارز این دلاوران بوده است.

وجود این داستان‌ها اعم از واقعی یا افسانه، حکایت از ترویج صفات والای

فتوت و جوانمردی در بین اقوام ایرانی دارد که ملکه وجود ایشان است. بدیهی است که داستان‌ها، حکایات و نوع پردازش متون در ادبیات، اشعار و داستان‌های هر قومی ضمن ترویج فرهنگ مستتر در متن، حکایت از باورهای مردم آن طایفه دارد. لذا، امثله و حکایت‌های رایج در هر جامعه، راوی خصلت‌ها و منش مردم آن مجتمع است و در مورد ایرانیان بایستی گفت که از دیرباز خیر و شر همواره برای سرنوشت آنها اصول انکارناپذیر بودند و خیر، نیکویی، نیک‌اندیشی و سخن نیکو از ویژگی‌های قهرمانان داستان‌های آنها بوده و در مقابل شر، بدی، بدکرداری، بداندیشی و سخنان زشت از خصوصیات دشمن اهریمن صفت ذکر گردیده که تمامی این حکایات مروج خوی درستی و نیکویی و از همه مهم‌تر گذشت در عین مقدرت است که مجموعه این صفات نیکو، جوانمردی، عیاری و فتوت را تشکیل می‌دادند.

فرهنگ رفتاری و فکری هر جامعه را می‌توان از لابلای متون به‌جا مانده از اسلاف آن جامعه دریافت و آنچه که این متون اعم از نظم و نثر به‌دست می‌دهند در واقع شاکله فرهنگ جامعه را منعکس نموده و «بایدها و نبایدها»ی فرهنگ مردم آن قوم را به‌خوبی تصویر می‌نمایند.

اصول پذیرفته‌شده هر جامعه که در مثل‌ها و حکایت‌های آنها منعکس گردیده در بازه زمانی نه‌چندان درازی به «عرف جامعه» مبدل می‌گردد و جامعه این اصول را قانونمندان به اجرا درآورده و با خلاف جهت آنها برخورد جمعی و گروهی می‌کند که همین برخوردها به‌مرور زمان موجبات اصلاح جامعه را در جهت لزوم رفتار انسانی و ضرورت انسانیت فراهم می‌سازد.

برای روشن شدن موضوع به بخشی از مباحث طرح شده در تحقیقات علمی و آکادمیک کشور اشاره می‌گردد تا اسوه بودن ایرانیان از دیرباز در ارائه خوی پهلوانی، فتوت، جوانمردی و عیاری برای علاقمندان روشن گردد.

ایمان مهری‌بیگدیلو عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد پارس‌آباد مغان در مقاله‌ای تحت عنوان «مردی و نامردی» با اشاره به داستان‌های «سیاوش»، «رستم و سهراب» و «رستم و اسفندیار» از شاهنامه فردوسی می‌نویسد:

«نشان‌های مردی همچون بخشودن تهمت زننده، وفای به عهد در سخت‌ترین شرایط، جان فشانی در جلوگیری از قتل بی‌گناه، و... و نشان‌های نامردی از جمله خیانت زن به شوهر و افترا زدن به غیر، تحریک پادشاه به کشتن انسانی

بی‌گناه، کشتن فرزند در سایه حرص به مقام پادشاهی، بی‌مهری پدر نسبت به فرزند و کشتن او، جادویی مرگ، دروغ‌های حیاتی و ...

نتیجه این که انسان ایرانی دوره باستان عموماً مزین به صفات مردی و قابل تحسین، و موجودی آرمانی، دلسوز و جوانمرد است و در راه هموعان و میهنش جان فدا می‌کند. اما گاهی نشانه‌های نامردی و اهریمنی از خود بروز می‌دهد که علت آن خودخواهی، شهرت طلبی، حرص به مقام دنیوی و در نتیجه جهالت و نداشتن شعور و جهان بینی است که در لباس دروغ، تهمت، خیانت، بی‌مهری، فرزندکشی و ... تبلور می‌یابد»

همین مقاله به متن قابوسنامه در مورد مولفه‌های فتوت و جوانمردی اشاره می‌کند:

«یکی آنکه دلیر و مردانه و شکیباً بود به هر کاری، و خوش قول و پاک دامن و پاکدل باشد، و برای سود خویش به کسی زیان نرساند، و زیان خود بر زیان دیگران مقدم دارد، و بیچارگان را یاری دهد، و راست گوید، و بر آن سفره که نان خورد بد نکند، و نیکی را به بدی مکافات نکند، و حریم زنان نامحرم نگاه دارد.»

ابوالحسن هجویری در کتاب کشف‌المحجوب نشانه‌های جوانمردی را چنین بیان می‌دارد:

«کنشانه‌ای جوانمردان سه چیز بود: یکی وفای بی‌خلاف، دیگر مدح بی‌جود، و دیگر عطایی بی‌سوال»

ناگفته پیداست که موارد اشاره شده در قابوسنامه و کشف‌المحجوب ناظر بر آن است که اعمال و رفتارهایی برخلاف موارد مذکور نشان از نامردی و ناجوانمردی دارد که یک انسان، انسانی را بی‌گناه می‌کشد، خیانت می‌کند، دروغ حیاتی می‌گوید، دیگری را به کشتن یکی تحریک می‌کند و امثال اینها. اشاره مقاله به شاهنامه در داستان سیاوش بسیار زیبا و اندوه‌بار است اما بخش مهم این داستان، حکایت از روح پهلوانی رستم دارد که سیاوش را آنگونه که جوانمردی، گذشت و بزرگی سرلوحه امورش باشد تربیت می‌کند و پس از شنیدن خبر مرگ سیاوش بدون هراس آن‌گونه که خصیصه پهلوانان است با خشم در برابر کاووس سخن می‌گوید.

در اینجا ذکر نکته‌ای از سوی نگارنده لازم و ضروری به نظر می‌رسد و آن اینکه

هر قهرمانی نمی‌تواند سجایای اخلاقی جوانمردانه داشته باشد مگر اینکه به صفت پهلوانی متصف باشد، بنابراین پهلوانی در اساطیر ایرانی و نیز نص تاریخ این سرزمین مترادف با فتوت، جوانمردی و بزرگی است و پهلوانان همواره مورد احترام مردم شهر و دیار خود بودند نه به دلیل زور بازو بلکه به جهت دارا بودن صفات عالی جوانمردی، فتوت، گذشت و خیرخواهی آحاد مردم خاصه ضعفا.

در مقاله مذکور با اشاره به دو داستان دیگر رستم و سهراب و نیز رستم و اسفندیار دگر باره محقق به صفت پهلوانی و جوانمردی تهمتن اشاره دارد. در دو فصلنامه‌های علمی-پژوهشی پژوهشنامه ادیان در شماره بیست و سوم، سال دوازدهم (بهار سال ۱۳۹۷) مقاله‌ای تحت عنوان «جوانمردی عیاری و فتوت در قبل و بعد از اسلام» آمده است.

جوانمردی، فتوت و عیاری از خصلت‌های مشرق زمین است و اکثر محققان بر این عقیده‌اند که خاستگاه {اصلی و اولیه} این منش در اصل سرزمین ایران و از دیر باز در اقوام ایرانی بوده و تنها وجه اختلاف بین پژوهشگران در مورد زمان پیدایش این صفات ستوده پیش یا بعد از ظهور اسلام بوده است که البته همان‌طور که پیشتر در مورد شاهنامه حکیم توس اشاره گردید، این صفات در اساطیر ایرانی حتی در شاهنامه ابومنصوری نیز دیده شده است لذا اولاً اصل ایرانی بودن و جزء فرهنگ و عرف ایرانی قرار داشتن این خصایل پسندیده مورد تردید نیست و اگر برخی بر این عقیده‌اند که پس از ظهور اسلام این صفات در ایران متداول گردیده است، این باور به علت تطبیق این صفات با شرع مقدس اسلام به اجرا درآمده توسط رسول گرامی اسلام (ص) و ائمه معصومین علیهم‌السلام که سیره آن بزرگواران بوده است، تقویت گردیده و البته پس از ورود اسلام به ایران و خاصه قبول تشیع از سوی ایرانیان، شرع مقدس، این صفات را مورد تایید و تأکید قرارداد که در فصل بعد و در جای خود از آن سخن خواهد رفت.

در پژوهشنامه اخیرالذکر رابطه تنگاتنگی بین «عرفان و تصوف» از یکسو و جوانمردی و فتوت» از سوی دیگر دیده شده است که البته منطقی و قابل قبول است چنانکه حکایت معروفی از ابوسعید ابی‌الخیر وجود دارد که تا حدودی این رابطه را مورد تأیید قرار می‌دهد: